

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال نهم، شماره‌ی سی و سوم، پاییز ۱۳۹۶، صص ۷۱-۹۰

تحلیل مشارکت علمی داعیان ایرانی در تبیین مشروعيت ائمه فاطمی در مصر

حیات مرادی^۱، فاطمه دهباشی^۲

چکیده

با انتقال خلافت فاطمی به مصر در عصر میانه اسلامی، کارگزاران ایرانی فعال در سازمان دعوت، در مقام مذهبی داعی الدعات و حجت، در داخل و خارج قلمرو به نشر و تبلیغ دعوت پرداختند. داعیان ایرانی همانند حمیدالدین کرمانی، المؤید فی الدین شیرازی و ناصرخسرو با مشارکت علمی در نشر و تحکیم قدرت مذهبی و سیاسی ائمه فاطمی در برابر مخالفان نقش بارزی ایفا نمودند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، مشارکت علمی کارگزاران ایرانی را تحلیل و تبیین نموده است. به نظر می‌رسد داعیان ایرانی از طریق مناظرات علمی، تدریس و تأثیف به تبیین مشروعيت ائمه فاطمی و رد دیدگاه مخالفان مبادرت نمودند.

واژه‌های کلیدی: داعیان ایرانی، فاطمیان، حجت، داعی الدعات

۱. دانشآموخته دکترای تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء (س). (نویسنده مسئول)
(hayat1977m@yahoo.com)

۲. دانشآموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه الزهراء (س).
(dehbashi64@gmail.com) تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۹ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹

مقدمه

با انتقال خلافت فاطمی به مصر، یکی از اهداف مهم آنان نشر دعوت در شرق و غرب جهان اسلام بود. خلفای فاطمی با تطور سازمان دعوت خواستار تبلیغ و تبیه دعوت در برابر مخالفان بودند. در این دوره ایرانیان فعال در دربار فاطمی به عنوان کارگزاران سازمان دعوت در مقام داعی الدعات و حجت در تبیین اقتدار خلافت نقش برجسته‌ای داشتند. سؤال اساسی پژوهش این است که کارگزاران ایرانی در ساختار علمی خلافت فاطمی چه نقشی ایفا نمودند؟ با توجه به اهمیت عملکرد گروه‌ها و هسته‌های دعوت در نشر عقاید فاطمی، در این مرحله فقهاء، ادباء، شعراء، متکلمان و فلاسفه اسماععیلی تلاش بی‌وقفه در تعالی فرهنگ و ادبیات خلافت فاطمی داشتند. اندیشمندان و خردمندان ایرانی با مشارکت سیاسی و علمی خواستار تبیین عقاید امامت فاطمی بودند. آنان در هسته‌های مرکزی دعوت موظف بودند ابعاد نظری و عملی اندیشه دعوت فاطمی را تبلیغ و گسترش دهنده. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل داعیان ایرانی همانند حمیدالدین کرمانی (ز. ۴۱۱ ق.)، المؤید فی الدین شیرازی (ز. ۴۷۰ ق.) و ناصرخسرو (حدوداً ز. ۴۸۵-۴۶۵ ق.) است. هدف پژوهش حاضر تأکید بر عملکرد ایرانیان زمان اقتدار خلافت فاطمی است. در زمینه پژوهش حاضر آثار اندکی تدوین شده و اکثر منابع به توصیف زندگی مذهبی و علمی داعیان ایرانی پرداخته‌اند. از سوی دیگر برخی مقالات نیز به بررسی فعالیت علمی داعیان توجه دارند، مقالاتی مانند «حمید الدین کرمانی و بازاندیشی تئوری امامت اسماععیلیه» و «اندیشمند ایرانی حمیدالدین کرمانی و مدیریت بحران دربار فاطمیان» تألیف فاطمه جان احمدی، و آثاری در موضوع اندیشه و کلام ناصرخسرو در زمینه فعالیت برخی داعیان دربار فاطمی پراهمیت است. همچنین برخی کتب مانند تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، تألیف عبدالرحمن بدوى و کتاب مختصری در تاریخ و عقاید اسماععیلیه تألیف فرهاد دفتری به شرح اندیشه و کلام داعیان اسماععیلی اشاره دارند. این پژوهش در نظر دارد به تحلیل فعالیت علمی داعیان در ترویج اقتدار دولت فاطمی در قرون میانه اسلامی پردازد.

داعیان ایرانی و توسعه نهاد دینی و تعلیمی خلافت فاطمی

از مهم‌ترین فعالیت‌های داعیان ایرانی در دربار فاطمی تدریس و تربیت طلاب در مدارس علمی به منظور ترویج فرهنگ فاطمی در جامعه اسلامی بود. در این بخش کارگزاران ایرانی از معلمان برجسته دارالعلم بودند.^۱ یکی از مهم‌ترین وظایف ایرانیان در زمان مدیریت دعوت برقراری مجالس علمی به اذن امام به منظور تبیین مشروعيت خلافت در برابر مخالفان بود. چنان‌که حجت العراقيین حمیدالدین در عراق و مصر در ترویج علمی و مشروعيت خلافت تلاش نمود، در این عصر با نشر اندیشه غالیان دروزی^۲ آشتگی عقیدتی در جامعه اسماعیلی در مصر ایجاد شد. به این خاطر حمیدالدین کرمانی در مقام حجت العراقيین، وی با ورود به قاهره در مجالس داعی الدعات قاهره ختکین الضيف حاضر شد و به پرسش‌های پیروان پاسخ علمی داد. داعیان در مصر به منظور شناخت راه درست و کسب پاسخ سوالات خویش نزد داعی ایرانی و حجت العراقيین می‌آمدند.^۳ با توجه به گزارش‌های منابع توانایی علمی داعی ایرانی در حل بحران دعوت مشهود است. همچنین کرمانی علاوه بر شرکت در مجالس مباحثه و مناظره علمی، در مدت اقامت در قاهره، در

۱. مجالس نمایانگر نوع خاصی از سنت تعلیمی و ادبیات اسماعیلی است و آنها را عمدتاً شخص داعی الدعات فاطمی می‌نوشته یا برای وی تدوین می‌شده تا در مجالس درسی مشهور به «مجالس الحکمه» که صرفاً برای اسماعیلیان در زمینه‌ی تعلیم حکمت یا اصول عقاید باطنی اسماعیلیه برپا می‌شده قرائت شود. از ویزگی‌های برجسته مجالس برقراری مجالس مجزا برای مردان و زنان بود (احمد بن علی مقریزی، ۱۸۵۳)، المواقع والاعتبار بذكر الخطط ولاثار، بولاق: بنی‌نا، ج. ۲، ص. ۲۷۹؛ هاینتس هالم، ۱۳۷۷)؛ فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان، ترجمه فریدون بدراهی، تهران: فرزان روز، ص. ۹۱؛ فاطمه دهباشی، (۱۳۹۰)، «تفسی المؤید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، به راهنمایی دکتر فاطمه جان احمدی، ص. ۸۶).

۲. دروزیان گروهی نشأت‌گرفته از اسماعیلیه بودند. اما از نظر اعتقادی دچار افراط شدند، دعوت آنان از سال ۴۰۸ ق. آغاز شد. به عقیده‌ی آن‌ها خلیفه‌ی الحاکم فاطمی صورت ناسوت الوهیت بود و اطاعت پیروان از الحاکم همان عبادت او به شمار می‌رفت، مدعاویان این تفکر سه داعی به نام‌های حسن بن حیدره اخرم (از داعیان فرغانه)، حمزه بن علی بن احمد (از سمرقند)، و محمد بن اسماعیل درزی (از بخارا) بودند. عبدالرحمن بدوى، (۱۳۷۴)، تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی، ج. ۲، ص. ۴۶۳-۷۴۵.

۳. همان، ج. ۲، ص. ۲۹۶.

دارالعلم تدریس می‌کرد.^۱

فرایند تعلیم و تدریس در میان نخبگان ایرانی عصر المؤید فی الدین شیرازی پیگیری شد. او نیز از نامآوران اندیشه و تفکر اسماعیلی است که در نشر فرهنگ فاطمیان نقش بارزی ایفا کرد. المؤید پس از ورود به مصر از جانب خلیفه مأمور تدریس و تربیت طلاب شد. وی پیش از این نیز برای یازوری وزیر، موارد درسی وی در دارالعلم را می‌نگاشت، که این موضوع توانایی علمی داعی ایرانی را آشکار می‌سازد. پس از دستور خلیفه او موظف به تدریس در دارالعلم شد. وی در مجالس که شامل هشتصد مجلس بود مسائل کلامی، حکمی و تأویل اسماعیلیه را برای خواص تدریس نمود.^۲ اهمیت علمی و مذهبی المؤید زمانی آشکارتر شد که وی علاوه بر اخذ مقام داعی الدعاتی در نظام دعوت، ریاست مجالس الحکمه را نیز به عهده گرفت.^۳ وی در مجالس الحکمه مأمور تعلیم عقاید اسماعیلیه بود.^۴ المؤید در مدت اقامت در قاهره در دارالعلم^۵ ساکن بود و در آنجا به کار تعلیم و تربیت مشغول بود. وی در دارالعلم ریاست مرکزی نهاد دعوت را نیز بر عهده داشت و به این ترتیب داعی ایرانی عمر خود را وقف اداره سازمان دعوت، و تعلیم و تربیت طلاب و داعیان در داخل و خارج قلمرو خلافت کرد.^۶ او در مجالس اصول عقاید اسماعیلی را با استدلال فلسفی و استناد به آیات و احادیث تدریس می‌کرد. در مجالس وی موضوعاتی همانند تنزیه و توحید خداوند، اعتراف به نبوت و عصمت انبیا، دلایل

۱. در این مرحله وی با تسلط بر دانش اسماعیلی در کنار دیگر علوم، اندیشه درست اسماعیلیان را تدریس کرد. همان، ج. ۲، ص. ۲۹۶.

۲. المؤید فی الدین شیرازی، (۱۹۴۹)، سیرة داعی الدعاء المؤید فی الدین داعی الدعاء، تقديم و تحقيق محمد كامل حسين، قاهره: دارالکاتب المصرى، ص. ۱۳۶.

۳. ایمن فؤاد، (۲۰۰۷)، *الدوله الفاطمية فی مصر*، بیروت: مکتبة الاسره، ص. ۵۷۷.

۴. همان؛ «نقش المؤید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان»، ص. ۸۵.

۵. هدف از تأسیس این گونه مدارس ایجاد مرکزی برای تربیت داعیان اسماعیلی بود. اما درهای آن به روی دانشمندان غیراسماعیلی که در بی تحصیل بودند نیز گشوده بود. زیرا هدف خلفای فاطمی تسامح و آزادی برای ابراز عقیده پیروان اهل سنت بود تا از شدت اختراضات آنان بکاهند.

۶. احمد بن ابراهیم نیشابوری، (۱۳۸۳)، *الرسالة الموجزة الكافية فی ادب الدعاء*، تحقيق ورنا کلم، مترجم فریدون بدراهی، تهران: فرزان روز، ص. ۳.

علمی و دینی و صایت و امامت امام علی (ع) و ولایت ائمه و عصمت آنان، ابطال رأی و قیاس در امور دین، وجوب اخذ از ائمه، و تصدیق قرآن در عمل به ظاهر و باطن تدریس می‌شدند.^۱ داعی ایرانی در ابتدای درس با حمد خدا و ستایش رسول (ص) و ائمه به اهمیت عقل بشری و تفاوت انسان با حیوان اشاره می‌کرد، سپس با ارائه احادیثی از رسول خدا (ص) پذیرش عقلانی دین را گوشتزد می‌کرد – وی معتقد بود انسان با عقل به باطن حقیقت دست می‌باید – در ادامه صفت زندگی عقلانی به ائمه می‌داد و معتقد بود ائمه عامل کشف حقایق و برداشتن حجاب‌اند.^۲ با این ترتیب، او با تأویل مقام ائمه فاطمی خواستار تبیین اقتدار آنان و رد دیدگاه مخالفان بود. از مهم‌ترین نتایج تدریس المؤید در نهاد آموزشی فاطمی، تربیت شاگردان باکفایت همانند لمک بن مالک داعی طیبی یمن و ناصرخسرو حجت خراسان بود. آنان از جانب المؤید در جزایر دعوت اندیشه فاطمی را نشر دادند، به طوری که المؤید به عنوان پدر روحانی دعوت یمن شناخته شد.^۳

منش سیاسی و اقلابی فاطمیان در مشرق جهان اسلام در آثار و فعالیت‌های علمی حجت خراسان ناصرخسرو پیگیری شد. وی از داعیان برجسته مکتب فلسفی اسماعیلی بود. ناصرخسرو در مقام حجت امام فاطمی مأمور دعوت در خراسان بود. با تسلط ناصرخسرو بر حکمت و فلسفه و مهارت در بحث و جدل و مناظرات و تسلط بر علوم مختلف، او توانست افراد بسیاری را جذب دعوت کند. به دلیل گسترش عقاید فاطمی در خراسان، او از سوی علمای اهل سنت به بدینی و الحاد و کفر متهم شد. لذا از بلخ فرار کرد. ناصرخسرو همانند دیگر داعیان اسماعیلی ائمه را خداوندان حکمت می‌دانست که عامل اتصال عالم محسوس و معقول‌اند. از دیدگاه او، ائمه صاحبان تأویل باطنی هستند که تنها برخی از افراد و برگزیدگان آن را کسب می‌کنند.^۴ ناصرخسرو، که خردگرایی

۱. نک. المؤید فی الدین شیرازی، (۱۹۹۸)، *المجالس المؤیدیہ*، تحقیق مصطفیٰ غالب، بیروت: دارالاندلس، ص. ۶.

۲. همان، ص. ۳۰-۲۰.

۳. همان، ص. ۸؛ «نقش المؤید فی الدین شیرازی در تحولات سیاسی عصر فاطمیان»، ص. ۹۳.

۴. ناصرخسرو قبادیانی، (۱۳۴۸)، وجه دین، تهران: طهوری، ص. ۷۸؛ ناصرخسرو قبادیانی، (۱۳۳۸)، *جامع الحكمتين*، تصحیح هانری کوربن، تهران: طهوری، ص. ۶۱.

باطنی‌سلک بود، در نظام فکری خود اهمیت خاصی به تأویل می‌داد، زیرا تأویل را تنها ابزار دوری از خطأ و اشتباه در تفسیر و تبیین معارف می‌دانست. او بر اساس تأویل به تفسیر آیات و روایات پرداخت. به قولی با تلاش بی‌وقفه وی فرقه ناصریه در شرق ایجاد شد، که این نشانگر میزان و سهم موقیت داعی ایرانی در جذب افراد و پاسخ به شباهات آنان در مورد مبانی و اصول عقاید فاطمیان است.

مناظرات علمی داعیان ایرانی در تبیین مشروعيت امامت فاطمی

از مهم‌ترین اقدامات داعیان ایرانی دربار فاطمی برگزاری مناظرات علمی بود. مناظرات علمی یکی از ابزارهای مهم اقتدار خلافت خلافت فاطمیان بود، زیرا به این روش جامعه اسلامی را با آراء و اندیشه‌های فاطمیان آشنا می‌کردند. در این مرحله متفکران موظف بودند وجاحت قدسی امام را در دیدگاه پیروان محرز سازند.^۱ ایرانیان در عصر خویش به دلیل تسلط علمی و توانایی در فقه، کلام و حکمت اسماعیلی با انجام مناظرات علمی با برجستگان علم و مذهب و پاسخ دادن به سوالات و شباهات دیگران تلاش کردند مبانی اقتدار خلافت فاطمی را در جهان اسلام به صورت علمی تبیین کنند. برای مثال، حمیدالدین کرمانی در مدت اقامت در قاهره در دارالعلم تدریس کرد. او با انجام مناظرات علمی به اثبات حقائیت امامت فاطمی پرداخت. کرمانی اوضاع قاهره مرکز خلافت اسماعیلی را این گونه بیان کرده است: «رعایت رسوم پیشین فروگذاشته شده مردم و اولیای دین به سبب آنچه آمده بود از آنها اعراض کرده بودند. برگزاری مجالس الحکمه که بدانها سود می‌رسانید تعطیل گشته بود. بلندپایگان خوار شده و فرومایگان رفعت یافته‌اند».^۲

در مسیر اقتدار فاطمیان، خلافت آنان فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشت، زیرا مخالفان آنان با ارائه اعلامیه‌ها تلاش می‌کردند نسب امام فاطمی را مخدوش کنند و مانع تابعیت افراد از آنها شوند. در عصر اقتدار المستنصر بالله (۴۲۷-۴۸۷ ق.)، سازمان

۱. فرهاد دفتری، (۱۳۶۷)، مختصری در تاریخ و عقاید اسماعیلیه، تهران، فروزان، ص. ۱۴۱.

۲. حمیدالدین کرمانی، (۱۹۸۳)، مجموعه رسائل الکرمانی (مباسط البشارات)، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: مجد، ص. ۱۱۳-۱۱۴.

دعوت همچنان به هدف تبلیغ و بسط دعوت فعالیت داشت. در این مرحله داعی ایرانی، المؤید فی الدین شیرازی، علاوه بر تبلیغ دعوت در میان سپاهیان دیلم و جذب امیر ابوکالیجار، در جزیره دعوت (فارس)، به مناظرات علمی با مخالفان پرداخت. به استناد منابع و گزارش‌های المؤید، دشمنان برای رفض عقاید او از هیچ تلاشی فروگذار نبودند. آن‌ها به هدف تحقیر عقاید و طرد وی از فارس با برپایی جلسات مناظره و بحث و تبادل آراء و نظریات، خواستار اثبات ضعف علمی و مذهبی علمای فاطمی و عدم مشروعيت ائمه آنان بودند. از مهم‌ترین مناظرات وی مباحثه با فردی زیدی‌مذهب است، که در حضور ابوکالیجار برقرار شد. از اقدامات المؤید پیش از مناظره گفتگوی مستقیم با شخص زیدی بود، سپس میان آنها مناظرات کلامی برقرار شد، و در پایان توانایی علمی و مذهبی داعی ایرانی مشهود شد.^۱ در این مناظره هدف داعی ایرانی تبیین مشروعيت و صحت نسب ائمه فاطمی بود. روند مناظرات علمی المؤید پس از ورود به مصر پیگیری شد و به دلیل بلاغت و توانایی در حکمت و کلام، او به مقام تدریس و پاسخگویی به شباهات و سوالات خاص و عام در دارالحکمہ مأمور شد.^۲ وی در مجالس المؤیدیه خویش مباحثت علمی اسماعیلیان را به طور دقیق تحلیل و تفسیر کرده است.

۱. سیرة داعی الدعا المؤید فی الدین داعی الدعا، ص. ۵۸، ۷۵.

۲. وی پس از برکناری پازوری در ۴۵۰ ق. موظف به برگزاری مجال الحکمہ شد و این منصب را تا زمان مرگش در ۴۷۰ ق. بر عهده داشت. با وجود این که در این فاصله منصب و لقب داعی الدعا تی به همراه مقام وزارت به وزراء داده می‌شد، در این مدت، برگزاری و اداره مجالس الحکمہ عملاً بر عهده المؤید فی الدین شیرازی بود. المؤید بعد از نائل آمدن به مقام باب الابوابی، رهبری امور مربوط به دعوت در جزائر را به دست گرفت و پیوسته با داعیان سرزمین‌های مختلف در ارتباط بود و توجه خود را به مناطقی مانند هند و یمن مبذول داشت. وی در دارالحکمہ بیشترین تلاش را برای گسترش دعوت اسماعیلیه کرد و تا زمان مرگش در سال ۴۷۰ ق. در آنجا زیست و بعد از مرگش بدر الجمالی ریاست نهاد دعوت و دارالحکمہ را به دست گرفت. در زمان بدر الجمالی دارالعلم تبدیل به دارالحکمہ شد (همان، ص. ۱۸۳؛ عmadالدین ادریس، ۲۰۰۸)، عيون الاخبار و فتنون الآثار، سید ایمن فؤاد، بیروت: معهد дравاسات الاسلامیة، ج. ۶، ص. ۹۰. احمد بن علی مقریزی، (۲۰۰۱)، اتعاظ الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج. ۲، ص. ۲۱۵، ۸۸.

عملکرد ایرانیان در عرصه نظم

خلافت فاطمی به منظور افزایش اقتدار خود، شعر و کتابتی را به خدمت گرفت تا به نظم و نثر مبانی فکری دعوت را نشر دهند. در این راستا داعیان ایرانی، همانند المؤید فی الدین و ناصرخسرو، در کنار فعالیت مذهبی و اجرایی و تدریس، با تدوین اشعاری در قالب قصاید تعلیمی، با استدلال کلامی و فلسفی به مدح و ترویج عقاید و امامت اسماعیلی پرداختند.^۱ آنان شعر را ابزاری در خدمت سیاست و دعوت قرار دادند. شاعران ایرانی، همانند دیگر شعرا، در شرح اصول و مبانی باطنی از طریق تشییه شعر سروندند. شاعران به روش علمای لغوی و بلاغی قواعدی در نظم برقار کردند.^۲

قصاید تعلیمی المؤید در تبیین عقلانی مشروعیت امامت فاطمی
 از داعیان و شاعران بر جسته دعوت، المؤید فی الدین داعی الدعات قاهره و کارگزار سازمان دعوت بود. با توجه به این که او در جذب امیر بویهی ابوکالیجار تأثیر بسزایی داشت، به قولی وی کتابی با عنوان بنیاد تأویل که ترجمه /ساس التاویل قاضی نعمان (ز. ۳۶۳ ق.) بود را برای ابوکالیجار ترجمه کرد. در کنار عملکرد سیاسی و تألف آثار منتشر، او با استعمال اشعاری در مضامین سیاسی و اجتماعی خواستار تحکیم خلافت فاطمی بود.

-
۱. با تطور شعر و شاعری و با نهضت ادبی عصر فاطمی می‌توان مکاتب و مدارس شعری آنان را به سه دوره تقسیم کرد: (۱) مدرسه الصنعة و البديعیات، به رهبری داعی الدعات المؤید فی الدین شیرازی که پس از وی تا قرن ۶ ق. دایر بود. در این مدرسه اصطلاحات الهیات اسماعیلی و الفاظ پرتکلف و آهنگین در حمایت از ائمه فاطمی ارائه می‌شد، اشعار این دوره اغلب در مدح امام فاطمی و حمایت از ائمه معصوم در برابر مخالفان و دشمنان بود و به مرور در عصر ایوبیان شعر مدحی در حمایت از اهل سنت سروده شد؛ (۲) مدرسه دوم را مدرسه السهولة و الرقة نامیدند، که در آن شاعران از روش‌ها و الفاظ ساده استفاده می‌کردند و اغلب شاعران در لفظ و ظاهر می‌ماندند و به معناکاوی و تأویل باطن نمی‌پرداختند؛ (۳) مدرسه کاتبان از آرایه‌های فنی و ابزاری همانند موسیقی و الفاظ مصنوع و پرتکلف و آهنگین همانند مدرسه اول استفاده می‌کردند که در پیروی و جذب افراد بسیار مؤثر بود، مانند اشعار قاضی الموفق بن خلال، این ابی الشخباء (زرگس ملک، ۱۲۸۶)، «بررسی ساختار و کارکرد سازمان آموزشی فاطمیان در مصر»، پایان‌نامه دانشگاه الزهرا، به راهنمایی دکتر عبدالله ناصری طاهری، ص. ۲۰۶-۲۰۷.
 ۲. محمد کامل حسین، (بی‌تا)، فی أدب مصر الفاطمیة، بیروت: دارالفکر العربي، ص. ۹۲.

المؤید به منظور شرح اوضاع سیاسی و اجتماعی و مدح ائمه فاطمی، دیوان قصایدی به زبان عربی تنظیم کرد. محتواهی دیوان او از سه سطح برخوردار بود: (۱) اشعار اولیه در حیات اجتماعی و مذهبی و سیاسی او در فارس؛ (۲) نیمه دوم آن شامل فرار وی از موطن؛ (۳) و سومین سطح مرحله اسکان وی در مصر بود.^۱ از بارزترین ویژگی‌های قصاید المؤید می‌توان به گوناگونی مضامین اشعارش اشاره کرد. این تفاوت نشانگر روحیه‌ی وی در تنظیم قصاید است. برای مثال، زمان سکونت در فارس در آرامش بود، اما با فرار از وطن خویش دچار آوارگی و ستم شد. و اشعار هجرت وی مضامین شکایت از روزگار را نشان می‌دهد. در مدت اقامت در مصر نیز تا زمان دیدار با امام شکوائیه می‌سرود. اما از مهم‌ترین ویژگی‌های شعری وی مدح و حمایت از ائمه فاطمی است.^۲ شاعر و نویسنده‌ی توانای دولت فاطمی، در قصایدش خواستار تلفیق دین و علم بود. شعر المؤید شعری تعلیمی با اصطلاحات فلسفی و تلفیق لفظ و معنا بود. اغلب قصایدش در مدح ائمه به ویژه ائمه فاطمی است. المؤید همانند دیگر شاعران فارسی تخلص خود المؤید فی الدین را در شعرش ذکر می‌کرد. شعر وی حرکتی به منظور نفوذ در عقول جامعه اسلامی بود. وی با روش تعلیمی و با ارائه عقاید باطنی خواستار تبلیغ دعوت فاطمی شد. وی به منظور فهم بهتر و نفوذ بیشتر عقاید فاطمی اصطلاحات و مبانی فاطمی را به روش مجادله مطرح کرد و با استدلال عقلی نظریات مخالفان را نقض نمود. هر چند وی به مدح امام فاطمی پرداخت، اما از بهکارگیری الفاظ غالیانه پرهیز کرد.^۳ از مهم‌ترین ویژگی‌های اشعار وی استعمال تشییه و تمثیل در نظم بود. وی به طریق تشییه به تبیین کلامی و فلسفی اقتدار امامت پرداخت. زیرا صورت تشییه از فنون مهم ادب عربی است که در آن غرض و اهداف

۱. المؤید فی الدین شیرازی، (۱۹۹۶)، دیوان المؤید فی الدین داعی الدعاۃ، تحقیق محمد کامل حسین، بیروت: دارالمنتظر، ص. ۱۷۰.

۲. همان، ص. ۱۷۰.

۳. در حالی که ابن هانی شاعر اندلسی پس از ورود به مصر اشعار غلوآمیز در مدح معز فاطمی سرود، بر خلاف المؤید، با عقاید باطنی آشنا نبود. وی به جهت دریافت مال و هدایا می‌سرود اما المؤید در پی تعالی قدرت امام بود (همان، ص. ۱۶۰؛ عبدالرحمن حجازی، (۲۰۰۸)، *البلاغة والتاویل (الصورة التشییهیة فی شعر المؤید فی الدین الشیرازی)*، قاهره: مجلس الاعلی للثقافة، ص. ۱۲).

شاعر مطرح بود. شاعر به جهت بیان اهداف خویش با روش مجاز و تشبيه شعر می‌سرايد. قالب تشبيه همانند کردن یک شیء به شیء دیگر است، پس تشبيه ادعای همسانی و یکسانی دارد. تشبيه ايجابی است نه سلبی.^۱ داعی ايراني المؤيد نيز به صورت تشبيه و غالب در مدح وجوب نص و عصمت ائمه و با طرح عقاید باطنی اشعارش را نظم می‌داد. وي قصايدش را با فرهنگ ديني و كلامي و فلسفى اسماعيلى منظم کرد، فن تشبيه را در حمايت از عقاید و ايدئولوژی به کار برد.^۲ او به منظور تأويل مقام علوی امام، قالب تشبيه را در صورت طبيعت غيرزنده (نور، آسمان، خورشيد، ماه، ستاره) و تشبيه به جو (ابر، باران)، صورت زميني (کوه، صخره، آب)، طبيعت زنده (شیر، گياه، باغ) استعمال کرد. بي تردید تشبيه نقش بارزی در اشعارش داشت. او با الفت دادن ميان عناصر عقلی و مادي خواستار تأکيد بر برتری دینی و دینوی امام در جامعه انسانی بود. وي علاوه بر تشبيهات غيردينی از منابع دینی (قرآن و حدیث) و مکان‌های تاریخی و مقدس (حرم اکبر، صفا، رکن، کعبه الله، بیت عتیق) در قصايدش استفاده کرده است.^۳ بر این اساس، شعر المؤيد نوعی تلفيق ايدئولوژی و سیاست فاطمی از طریق ادبی بود. به عبارت دیگر، المؤيد با فن شعری به تأويل عقاید و سیاست و مبانی دینی و فلسفی فاطمیان پرداخت، زیرا با تسلط بر علوم باطنی و تدریس در دارالعلم، عقاید اسماعیلی در قلب و زبانش نفوذ کرده بود و با سلاح علم و فکر با مشکلات و شبهات برخورد می‌کرد.^۴ او تشبيهات شعری خویش را به همراه آراء فلسفی و کلامی و استدلال عقلی بیان نمود و خیال شعری را در اختیار علوم عقلی و ايدئولوژی خویش قرار داد.^۵ المؤيد با قدرت تشبيه به روش اقناع و گفتگو به رد مخالفان و تأیید عقاید اسماعیلی پرداخت. وي با ابزار تشبيه به تلفيق شعر و ايدئولوژی مبادرت نمود. علاوه بر استعمال برهان فلسفی، در اشعارش از استدلال قرآنی و حدیثی در

۱. همان، ص. ۱۲.

۲. همان، ص. ۱۹.

۳. همان، ص. ۹۵-۹۷.

۴. *ديوان المؤيد في الدين داعي الدعاة*، ص. ۱۶۶.

۵. همان.

کنار علوم عقلی استفاده کرد. او عقاید شیعی و فاطمی را به صورت فنی در قصایدش شرح داد و مستدل کرد.^۱ از موضوعات مهم قصایدش توجه به مقام ولایت است. وی در اشعارش به مقام ولایت اشاره کرد.^۲ این شاعر فاطمی، در خطابه‌ها و آثار منتشرش، همانند مجالس، بارها بر اهمیت ولایت تاکید کرده و معتقد است اگر کسی عمل به فرائض خدا و سنت او را بپذیرد ولی ولایت رسول (ص) را قبول نداشته باشد هیچ کدام از اعمالش پذیرفته نیست. زیرا ولایت مرکز تمامی امور و احکام است و دیگر احکام در اطراف ولایت قرار دارند. این اندیشه وی در اشعارش مشهود است. وی در قصایدش به وفور با روش اقناع به ولایت و وجوب اطاعت ائمه تاکید کرده است: از آن جمله در قصیده پنجم در ایيات ۵۰-۵۷ اندیشه اسماعیلی خویش را بیان کرده و مهم‌ترین شرط ولایت را معرفت امام ذکر می‌کند. وی این گونه سروده است:

اگر قصد آن را دارید که حقیقت دین را بفهمید، کاری که رسول خدا (ص)
اقدام نمود را بیگیری کنید. وی در روز غدیر خم وقتی فرشته وحی جبریل
آمد در آن زمان آیه نص را ابلاغ نمود. پس از ولی امر اطاعت کنید زیرا
آنان بر دیگر خلقت برتری دارند.^۳

با توجه به اهمیت ولایت، داعی فاطمی آن را با استناد به احادیث و آیات قرآن و به روش اقناع اثبات می‌کرد. وی حدیثی از امام جعفر صادق آورده است که ایشان فرموده‌اند: دو جاهلیت است، جاهلیت کفر و جاهلیت گمراهی، پس جاهلیت کفر قبل از بعثت رسول(ص) بود، اما جاهلیت گمراهی پس از بعثت است، و آن کسی است که از امام زمان خود گمراه شود.^۴ وی در اشعارش این مفاهیم را بیگیری کرده است، به نحوی که در

۱. همان.

۲. همان، ص. ۵.

۳. لو أَرَادُوا حَقِيقَةَ الدِّينِ كَانُوا تُبَعَّا لِلَّذِي أَقَامَ الرَّسُولُ
وَأَتَتْ فِيهِ النَّصْ بَلَغَ يُومَ الْخُمُورَ لِمَا أَتَى جَبَرِيلُ

فَاطِعُوا جَهْدًا أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ وَلَهُمْ فِي الْخَلَاقِ التَّفْضِيلُ (ديوان المؤيد فی الدين داعی الدعات، قصیده پنجم، ص. ۲۱۷).

۴. المجالس المؤیدية، ج. ۱، ص. ۱۵۴.

قصیده پنجم بر پیروی از ائمه و اهل بیت به ویژه امام فاطمی عصرش تأکید کرده و چنین می‌سراید:

خاندان پیامبر (ص) که در مورد آنان نص وارد شد، و آن را باید تحلیل و تفسیر نمود، آن‌ها امامان این دنیا هستند و برای ما راه درست و مستقیم می‌باشند آنان سایه الهی و سایه‌بان در این دنیا هستند. در مصر از نسل آنان امامی است که برای کسانی که به امامت شک دارند کافی است که نظر آنان را نفی کند.^۱

در این قصیده استدلال بر وصایت و امامت است که ائمه را صاحب تأویل و امامان زمین برمی‌شمرد. او با روش افناع به حمایت ائمه فاطمی پرداخت.^۲ همچنین وی به جهت تأکید بر مرجعیت دینی و دنیوی امام فاطمی در اشعارش با تأکید بر کلمه «ملک» به قدرت دنیوی امام اشاره کرد و با تکیه بر حمایت فرازمینی از وی بر مقام «ظل الهی» امام تأکید نمود. وی در قصیده ۳۳ پس از حمد خدا، ائمه به ویژه امام عصرش المستنصر بالله را این گونه ستایش می‌کند:

امام مستنصر بالله که ولایتش بر خلق حق اوست. عدالت او ترازو و میزان است. پادشاهی که فرشتگان آسمان سربازان اویند و پادشاهان برتر آسمان بندگان او هستند.^۳

وی در قصایدی میزان عدالت ائمه را که حق هر صاحب حقی را می‌دهند بیان کرده است، زیرا عدل و علم به هم پیوسته‌اند و امامی که علم دارد عادل ترین فرد زمانه‌اش است. آنان افراد عادلی هستند که باعث هدایت خلق به حق می‌شوند. امام زمین را پر از عدل می‌کند، پس از آن که پر از ظلم شده است. شاعر فاطمی نیز در قصایدش به این اشاره دارد:^۴

۱. اهل بیت علیهم نَزَلَ الذِّكْرُ وَ فِيهِ التَّحْرِيمُ وَ التَّحْلِيلُ
هُمْ أَمَانٌ مِّنَ الْقَعْدِ وَ صَرَاطٌ الْمَسْتَقِيمُ لَنَا وَ ظَلَ ظَلِيلٌ
هَاكُمْ مِنْهُمْ بِمِصْرِ امَاماً هُوَ بِالنَّفْيِ لِشَكُوكِ كَفِيلٍ (دیوان المؤید فی الدین داعی الدعات، ص. ۲۱۷).

۲. همان، ص. ۴۴.

۳. مَسْتَصْرٌ بِاللهِ قَامَ بِحَقِّهِ فِي الْخَلَقِ فَهُوَ لِقِسْطِهِ مِيزَانٌ
مَلَكُ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ جَنَوْدَهُ وَ مَلَوْكٌ مِنْ فُوقِ الْتَّرَى عَبْدَانَهُ (همان، قصیده ۳۳، ص. ۲۷۲).
۴. ائمه العدل، هَدَاهُ الْخَلَقُ مَعَادِنَ الْفَضْلِ، شِمْوَسُ الْحَقِّ (همان، قصیده ۶۲، بیت ۱۵۲، ص. ۳۲۲).

«امام عادل و هدایت‌کننده خلق هستند. آنان معدن برتری و خورشید حق‌اند.» او ائمه را عادل و راهنمای خلق از گمراهی که نور حق دارند معرفی می‌کند. در برخی ایيات بر عصمت آنان تأکید کرده است:

خاندان راهنما و پرهیزگار و اهل عصمت و پاکی، ائمه‌ای که از عیب و ناپاکی مبرا هستند. در هر عصری از آنان امامی است که هیچ بشری جز با راهنمایی آنها هدایت نمی‌گردد. کسی که امام زمانش را نشناسد و بمیرد و منکر امام جاہل است.^۱

از تفکرات مهم شیعه اسماعیلی اندیشه مهدویت است. این اندیشه به بازگشت مهدی پس از غیبت اشاره دارد. این عقیده از عناصر اساسی اندیشه شیعی است، زیرا این عقیده به بازگشت مهدی و برپایی عدل پس از برقراری ستم اشاره دارد. شیعیان حکومت عادل را حکومت ائمه می‌دانند و مشروعيت دیگر حکومت‌ها را زیر سؤال می‌برند. المؤید نیز در اشعارش به این امر معتقد است و با تأکید بر مهدویت به رد دیگر حکومت‌ها پرداخته است.

وی می‌سراید:^۲

سلام و درود بر امام پاک زمان، کسی که با وفای به عهد سعادت با وی برقرار می‌شود. زمانی است که به ما بشارت خیر و سعادت آینده را می‌دهد.
و برای شر و ظلم راه فراری نیست.

از جمله تشبيهات وی تشبيه خلیفه المستنصر بالله به مسیح است. وی در قصایدش به زنده نمودن مردگان توسط مسیح اشاره کرده و استدلال می‌کند که امام فاطمی نیز با علم و عملش افراد جاہل را زنده می‌نماید. مسیح کور را بینا کرد، امام نیز با هدایت و رهبری خویش ناپاکی و حجاب را از دین بر می‌دارد و دین راستین را به مردم ارائه می‌کند.^۳ از

۱. آل رشاد و النقی و العصمه ائمه مقارنتهم و صمّه
فی کل عصر منهم امام لا یَهْتَدِی الا به الانام

یَمُوت مَنْ يَعْرِفُهُ مَرْضِيَا وَ الْمُنَكَرُ الْجَاحِدُ جَاهِلِيَا (همان، قصیده ۲، بیت ۱۳۸-۱۳۵، ص. ۲۰۵).

۲. اهلا بطیب زمان مولانا الذي وافی بوجه بالسعادة مسفر

زَمَنَ يَبْشِرُنَا بِخَيْرٍ مَقْبَلٍ تَنْرِي وَ شَرَّ لَا مَحَالَهُ مَذْبَرُ (همان، قصیده ۷، ایيات ۱۴-۱۵، ص. ۲۲۱).

۳. همان، قصیده ۶۰، ص. ۸۰.

صفات بارز امام فاطمی در اندیشه متفسر ایرانی «بَلَدِ الْأَمِينِ» است و این اشاره به آیه ۲۰ سوره تین دارد که در آن خداوند می‌گوید: «وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ» و این صفت رسول خدا(ص) بود و رمز بلد همان کسی است که مؤید به قداست و نور است. شیعیان اسماعیلی این اصطلاح را برای ائمه معصوم نیز استعمال کردند. همان طور که المؤید در اشعارش به آن اشاره دارد، وی در قصیده ۱۴ و ۵۱ امام فاطمی را بلد امین نامیده است:^۱ «ای سرزمن
امن، و ای کسی که دیدگان کافران را منحرف کرد.»

اشعار تعلیمی ناصرخسرو در تبیین عقلانی اقتدار امامت فاطم
 حکیم ناصرخسرو از داعیان و شاعران پرجسته ایرانی، که اشعار وی غاییتی تعلیمی دارد، دیوانش سرشار از اطلاعات دینی، حکمت، فلسفه و کلام است. به دلیل ماهیت تعلیمی اشعار حجت خراسان، این اشعار از یک سو بازتاب جهان‌بینی اسماعیلی هستند و از دیگر سو به دلیل ساختار هنرمندانه‌شان بازگوکننده عواطف و احساسات روحی او به شمار می‌روند. او معتقد است علت غایی شعر تعلیم آن است.^۲ بر این اساس، وی به فلسفه اخلاقی شعر توجه داشت. حقیقت آن است که شعر ناصرخسرو هنرمندانه و در خدمت معناآفرینی و تأویل امور محسوس و غیرمحسوس است. او اغلب به حقایق عقلی و مبانی اعتقادی و دینی توجه داشت. وی در اشعارش از ساختار قدرت فاطمی حمایت کرد.^۳ توصیف وی از طبیعت نیز در حکم تشییه برای ورود به مباحث عقلی و مذهبی است.^۴ حجت خراسان در اشعارش همانند المؤید خواستار تقابل میان ظاهر و باطن بود. وی نیز در قالب تشییه و کنایه‌گویی و استناد به آیات قرآن در پی ارائه عقاید مذهبی خویش به منظور تبیین مشروعیت خلفای فاطمی بود. وی به عنوان حجت خراسان از جانب خلیفه فاطمی برگزیده شد تا به ترویج اقتدار خلافت در مشرق جهان اسلام پردازد. وی در

۱. یا بَلَدِ اللَّهِ الْأَمِينِ الَّذِي قَدْ زَاغَ عَقْدَ بَصَرِ الْكَافِرِ (همان، قصیده ۱۴، بیت ۳۰، ص. ۲۳۹).

۲. مهدی محقق، (۱۳۶۸)، تحلیل اشعار ناصرخسرو، تهران: سمت، ص. ۲۳.

۳. ذبیح الله صفا، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: فردوسی، ج. ۱، ص. ۲۷۷؛ علی قاسمزاده، (۱۳۹۱)، «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصرخسرو»، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ش. ۱۶، ص. ۳۱۶.

اشعارش با تأویل آیات قرآن در پی تبیین اقتدار فاطمی بود. برای نمونه در برخی ایيات بر کلام اسماعیلی در خلقت کاف و نون اشاره دارد و می‌سرايد:

چون نشناسی که از نخست به ابدع / فعل نخستین زکاف رفت سوی نون^۱

وی این بیت را با توجه به آیه ۴۲ سوره نحل سروده است که خداوند در آن می‌فرماید:
 «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدَنَاهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ».

در کنار آیات قرآن، وی از احادیث و امثال عرب در اشعارش به منظور نشر و تفسیر عقاید فاطمی استفاده کرده است. پس از ورود به یمگان، او اشعار انتقادی برای مخالفان و روزگارش سرود.^۲ همچنین وی به روش بحث و مناظره و تحقیر مخالفان اوضاع سیاسی، مذهبی و اجتماعی عصرش را بازگو می‌کرد، و با این روش خواستار تحکیم اقتدار خلافت فاطمی در جهان اسلام بود. از انتقادات وی نسبت به زمانه‌اش، انتقاد به ناهنجاری دینی و مذهبی روزگارش است. وی این نگرش را این گونه بیان کرده است:

مرا گویند بد دین است و فاضل بهتر آن بودی
 که دینش پاک بودی و نبودی فضل چندانش^۳

در این ایيات تأکید بر دین درست را بهتر از فضل اشخاص دانسته است. به نظر می‌رسد دین درست همان اعتقاد به مقام امامت و ولایت خلفای فاطمی است. در قسمتی دیگر از ایياتش نیز به نادانی مردم و اوضاع سیاسی و اجتماعی و مذهبی خراسان اشاره می‌کند:

ای خردمند نگه کن به ره چشم خرد
 تا ببینی که بر این امت نادان چه و باست^۴
 دلтан خوش گردد به دروغی که بگویید
 ای بیهوده گویان که شما از فضلا بید^۵

۱. ناصرخسرو قبادیانی، (۱۳۶۵)، دیوان ناصرخسرو، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: سمت،

ص. ۳۵۲.

۲. همان.

۳. همان، ص. ۳۴.

۴. همان، ص. ۲۲.

۵. همان، ص. ۴۴۷.

وی علاوه بر استدلال بر عقاید اسماعیلی، در برخی ایيات به هجو دینی و ردیه‌نویسی بر دیگر مذاهب و عقاید مبادرت نمود. او به دلیل تعصب دینی و گاهی به دلیل آزار مخالفان آنان را هجو کرده از آئمه فاطمی در برابر دشمنان حمایت می‌کرد. در برخی ایيات این گونه جهل و کوتاه‌فکری آنها را بیان کرده است:

ناصبه‌ای خر سوی نار سقر / چند روی بر اثر سامری?^۱
 بر آن برگزیده‌ی خدا و پیامبر / گزیده‌ی فلان و فلان و فلان را
 چو هاروت و ماروت لب خشک از آن است / ابر شط دجله مر آن بدگمان را^۲
 مرد بی دین گاو باشد تا نداری بانکش / مر تو را پورا همی مردم به دین باید
 شدن^۳

وی همانند دیگر شاعران فاطمی علاوه بر رد و نقض مذاهب دیگر به جهت تأیید و تحکیم مشروعیت اقتدار خلافت فاطمی، به هجو سیاسی مخالفانی پرداخت که مانع تطور اندیشه و قدرت فاطمی بودند. او ایياتی را بدین گونه سروده است:

خراسان جای دیوان گشت گنجد / به یک خانه درون آزاده با دون?^۴
 خانه‌ی خمار چو قصر مشید / منیر ویران و مساجد خراب
 حاکم در خلوت خوبان به روز / نیم شیان محتسب اندر شراب^۵
 خلق نبینی همه خفته ز علم / عدل نهان گشته و فاش اضطراب
 اینکه تو بینی نه همه مردمند / بلکه ذئابند به زیر شیاب^۶

بخشی از هجویات وی معطوف به اجتماع و رفتارهای جاھلانه آن روزگار است. او جامعه اسلامی را سست و تفکر آنها را بی‌پایه معرفی کرد، و گفت عامل اصلی جهل مردم ظلم حاکمان است:

۱. همان، ص. ۵۴.

۲. همان، ص. ۱۱.

۳. همان، ص. ۲۶۴.

۴. همان، ص. ۴۴. «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصرخسرو»، ص. ۳۲۵-۳۲۸.

۵. دیوان ناصرخسرو، ص. ۱۴۱.

۶. همان، ص. ۱۴۶.

امیرانت اصل فسادند و غارت / فقیهانت اهل می و ساتگینی
 مکان نیستی نه تو دنیا نه دین را / کمین گاه ابلیس شوم لعینی^۱
 چو خر بی علم و شاداند هر یک / ستور است آنکه نادان باشد و شاد
 نشاد دیو ملعونند یکسر / مرا یاد آنکه این گو باره را زاد^۲

به نظر می‌رسد اشعار حجت خراسان با هدف تعلیم و ترویج مبانی فکری فاطمی نظم یافته است. دیدگاه مذهبی او در تصویرسازی عصرش کاملاً مشهود است. او از طریق تشبیه و صور خیال با صبغه کلامی-فلسفی و با هدف مشروعيت‌بخشی به خلفای فاطمی اشعارش را نظم داد. در برخی ایيات با اشاره به اوج گرفتن خورشید در بهار آن را به خلافت فاطمی ربط می‌دهد و شب تیره در نظر او اهل نفاق هستند و روز روشن اهل تولی (پیروان خلفای فاطمی).^۳ حجت خراسان در اشعارش از طریق استدلال و اصطلاحات کلامی-فلسفی به تأویل ظاهر و باطن پرداخت و تنها مسیر سعادت و هدایت افراد را تمسک به امام فاطمی ذکر نمود. او به جهت مقام دینی به تبلیغ دعوت پرداخت. هرچند در مدت اسکان در خراسان و تبعید به یمگان تحت ظلم و ستم قرار گرفت. اما در آثارش، به ویژه در اشعارش، عقاید و ایدئولوژی خویش را نشر داد. به این صورت بخش عظیمی از دیوان وی جهان‌شناسی اسماعیلی اوست که به مدح امام و تأکید بر مرجعیت دینی و سیاسی او می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

از اهداف بر جسته حاکمیت‌ها نشر مبانی فکری و مذهبی در راستای تقویت قدرتشان است. به راستی خلافت فاطمی از طریق فرهنگی نیز خواستار توسعه قدرت مذهبی-سیاسی خویش در برابر رقبا بود. فاطمیان مصر به جهت کسب اهداف خویش نهاد دینی «سازمان

۱. همان، ص. ۱۶۱.

۲. همان، ص. ۶۱؛ «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصرخسرو»، ص. ۳۲۸.

۳. با توجه به وفور صور خیال در اشعار ناصرخسرو وی را می‌توان خداوند تشبیه نامید (غلام طاهری مبارکه، ۱۳۸۲)، برگزیده قصاید ناصرخسرو، تهران: سمت، ص. ۲۳-۲۴).

دعوت» را توسعه دادند. در این راستا، با جذب داعیان ایرانی به سازمان دعوت خواستار نشر و تبلیغ اقتدار ائمه فاطمی در برابر رقبا بودند. داعیان ایرانی در کنار مقام مذهبی داعی الدعا و حجت با مدیریت سازمان موظف بودند از طریق مشارکت علمی با تدریس و تألیف به نثر و نظم و مناظرات علمی در جهت تبیین گفتمان فاطمی و با مبارزه فرهنگی با گروه متخاصل و مخالف به ترویج و توسعه مذهبی و سیاسی خلافت پردازند. آنان با برهان‌های فلسفی-کلامی و مذهبی راه جدیدی برای نگرش به جهان و بیان نقش انسان و تأکید بر مقام امامت و ولایت ارائه دادند. در آثار داعیان ابتدا تأکید بر شناخت وحدانیت و توحید نظری است، پس از آن شناخت نبوت و حاکمیت انبیاست، سپس در مرحله جانشینی انبیا به شناخت امام می‌پردازند. لازمه مشروعیت فاعلی امام در جامعه، برآنداختن نظام موجود و جایگزین کردن نماینده حقیقی خدا و رسولش است. جنبش فکری و عقلی ایرانیان در جهت تلفیق وحی و عقل بود و بدین طریق با مذاهب سنت‌گرای محافظه‌کار مخالفت می‌کردند. کارگزاران ایرانی همانند حمیدالدنی کرمانی و المؤید فی الدین شیرازی و ناصرخسرو، با استفاده از علوم عقلی و نقلی، موظف بودند از میزان اهمیت عقل در امور مذهبی فراتر روند و به معرفت حقیقت کلی دست یابند. در این راستا آنان به حل و فصل نبرد فلسفه و وحی پرداختند. در این کار بر مرجعیت عالی و مؤید به تأیید الهی یعنی امام معصوم اشاره کردند.

منابع و مأخذ

- ادریس، عمادالدین، (۲۰۰۸)، *عيون الاخبار و فنون الآثار*، سید ایمن فؤاد، بیروت: معهد الدراسات الاسماعیلیه.
- بدوى، عبدالرحمن، (۱۳۷۴)، *تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام*، ترجمه حسین صابری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «اندیشمند ایرانی حمیدالدین کرمانی و مدیریت بحران دربار فاطمیان»، *جستارهای تاریخی*، ش. ۳.
- جان احمدی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «حمیدالدین کرمانی و بازاندیشی تصوری امامت اسماعیلیه»، *اندیشه نوین دینی*، ش. ۲۶.
- حجازی، عبدالرحمن، (۲۰۰۸)، *البلاغه و التاویل (الصورة التشبيهية في شعر المؤيد في الدين الشيرازي)*، قاهره: مجلس الاعلى للثقافة.
- حسین، محمد کامل، (بی‌تا)، *فن أدب مصر الفاطمية*، بیروت: دارالفکر العربي.
- دفتری، فرهاد، (۱۳۶۷)، *مختصری در تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، تهران، فروزان.
- دهباشی، فاطمه، (۱۳۹۰)، «نقش المؤيد في الدين شيرازی در تحولات سياسی عصر فاطمیان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، به راهنمایی دکتر فاطمه جان احمدی.
- شیرازی، المؤید فی الدین، (۱۹۴۹)، *سیرة داعی الدعاة المؤید فی الدین داعی الدعاة*، تقدیم و تحقیق محمد کامل حسین، قاهره: دارالکاتب المصري.
- شیرازی، المؤید فی الدین، (۱۹۹۶)، *دیوان المؤید فی الدین داعی الدعاة*، تحقیق محمد کامل حسین، بیروت: دارالمنتظر.
- شیرازی، المؤید فی الدین، (۱۹۹۸)، *المجالس المؤیدیه*، تحقیق مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.
- صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: فردوسی.
- طاهری مبارکه، غلام، (۱۳۸۲)، *برگزیده قصاید ناصرخسرو*، تهران: سمت.
- فؤاد، ایمن، (۲۰۰۷)، *الدولة الفاطمية في مصر*، بیروت: مکتبة الاسره.
- قاسم‌زاده، علی (۱۳۹۱)، «آیرونی و کارکرد آن در دستگاه فکری ناصرخسرو»، *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*، ش. ۱۶.

- کرمانی، حمید الدین، (۱۹۸۳)، *مجموعه رسائل الکرمانی* (مباسط البشارات)، تحقیق مصطفیٰ غالب، بیروت: مجد.
- محقق، مهدی، (۱۳۶۸)، *تحلیل اشعار ناصر خسرو*، تهران: سمت.
- مقریزی، احمد بن علی، (۱۸۵۳)، *المواعظ و الاعتبار بذکر الخطوط والآثار*، بولاق: بی‌نا.
- مقریزی، احمد بن علی، (۲۰۰۱)، *اتعاذه الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء*، بیروت: دارالكتب العلمیة.
- ملک، نرگس، (۱۳۸۶)، «بررسی ساختار و کارکرد سازمان آموزشی فاطمیان در مصر»، پایان‌نامه دانشگاه الزهرا، به راهنمایی دکتر عبدالله ناصری طاهری.
- ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۳۸)، *جامع الحكمتين*، تصحیح هانری کورین، تهران: طهوری.
- ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۴۸)، *وجه دین*، تهران: طهوری.
- ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۶۵)، *دیوان ناصر خسرو*، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران: سمت.
- نیشابوری، احمد بن ابراهیم، (۱۳۸۳)، *الرسالة الموجزة الكافية في أدب الدعاء*، تحقیق ورنا کلم، مترجم فریدون بدراهی، تهران: فرزان روز.
- هالم، هایتنس، (۱۳۷۷)، *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ترجمه فریدون بدراهی، تهران: فرزان روز.